

فرهنگ‌یگان وقتی در آستانه سفر رئیس‌جمهور به نیویورک برای

شرکت در اجلاس سازمان ملل، کشور یکباره به دلیل فوت مهسا امینی در بهت فروفت و این خبر با سرعت فضای رسانه‌ای را به تصرف خود درآورد، طبعاً موج‌سواری دولت‌های غربی روی جو رسانه‌ای ایجادشده برای تحت فشار قرار دادن ایران نیز اتفاق غیرقابل پیش‌بینی‌ای نبود. طرح سوالات حاشیه‌ای از رئیس‌جمهور در مورد مرگ مهسا امینی در گفت‌وگوهای خبری، خواندن بیانیته‌های ضدایرانی توسط کشورهای عضو و طرح این موضوع توسط رئیس‌جمهور فرانسه در دیدار با رئیسی، همگی اقداماتی است که در کنار هم پازل فشار به ایران را تشکیل می‌دهد. علاوهبر به حاشیه راندن سخنرانی رئیس‌جمهور کشورمان در مجمع عمومی سازمان ملل، امتیازگیری در میز مذاکرات هدف دیگری است که طرف غربی از طراحی سناریوی فشار علیه ایران آن را دنبال می‌کند. می‌توان آمریکا را طراح و پرچمدار جبهه ضدایرانی شکل گرفته دانست. وزارت خزانه‌داری آمریکا روز پنجشنبه اعلام کرد ۶ شخصیت ایرانی ازجمله پلیس امنیت اخلاقی ایران را به اتهام آنچه آزار و خشونت علیه زنان و نقض حقوق معترضان صلح‌آمیز ایرانی نامید، تحریم کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین تحریم‌هایی را علیه مدیران ارشد وزارت اطلاعات و امنیت ایران، نیروی مقاومت بسیج، نیروی زمینی ارتش و نیروی انتظامی وضع کرد. تکرار نام چندین نهاد دولتی ایران در لیست تحریم‌های واشنگتن اگرچه باعث می‌شود اقدام اخیر وزارت خزانه‌داری آمریکا نمادین جلوه کند اما این اقدام باعث شد سایر دول غربی همسوبا واشنگتن نیز صریح‌تر علیه کشورمان موضع‌گیری کنند. درپی این اقدام آمریکا سخنگو وزارت خارجه آلمان اعلام کرد این وزارتخانه سفیر جمهوری ایران در این کشور را به دلیل اعتراضات اخیر ایران احضار کرده است. در فضای ضدایرانی ایجادشده اتحادیه اروپا هم از غافله عقب‌نماند. جوزف بورل، مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا در آستانه نشست شورای وزیران خارجه این اتحادیه اعلام کرد: «اتحادیه اروپا به بررسی همه گزینه‌های در اختیار خود برای پاسخ به مرگ مهسا امینی و همچنین نحوه واکنش نیروهای امنیتی ایران به اعتراضات پس از آن ادامه خواهد داد.» وی همچنین بدون اشاره به اقدامات خشن اغتشاشگران در کشتن نیروهای انتظامی ادعا کرد: «اتحادیه اروپا بر این باور است که استفاده نامتناسب از قوه قهریه توسط نیروهای امنیتی باعث تلفات در میان تظاهرات کنندگان شده است.» پیش از این نیز پتر استانو، سخنگوی اتحادیه اروپا در پاسخ به سوال خبرنگاران تلویحا ایران را تهدید به تحریم کرده و گفته بود: «کمسیون اروپا هنوز نمی‌داند که آیا تحریم‌های جدید این اتحادیه علیه ایران اعمال خواهد شد یا خیر.» مقامات اتحادیه اروپا درحالی علی‌رغم انتشار تصاویر دوربین‌های مدار بسته پلیس امنیت اخلاقی استفاده نامتناسب از قوه قهریه را دلیل مرگ مهسا امینی عنوان می‌کنند که پیش از این در مقابل تصاویر واضح از برخورد خشن پلیس فرانسه با معترضان موسوم به جلیقه زده‌ها -که اتفاقاً ارتباط بیشتری به اتحادیه اروپا دارد- موضعی نداشتند. اهداف مواجهه سیاسی و خصمانه در مورد اتفاقات داخلی ایران با مشاهده رویکرد مقامات غربی در تعمیم مواضع ضد ایرانی به فضای مذاکرات وین بهتر روشن می‌شود. درحالی که واشنگتن از طریق واسطه قرار دادن امانوئل مکرون به دنبال ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی مستقیم بین روسای‌جمهور ایران و آمریکا در حاشیه اجلاس سازمان ملل بود بعد از عدم برگزاری چنین دیداری یکباره بازی مقصرنمایی را

از سر گرفت. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا عصر یکشنبه در گفت‌وگو با شبکه CBS آمریکا، مدعی شد: «پاسخ ایران به پیشنهاد اروپا برای احیای توافق هسته‌ای یک گام بزرگ رو به عقب بود.» او درحالی در این مصاحبه اعلام کرده است در کوتاه‌مدت هیچ انتظاری برای احیای توافق هسته‌ای با ایران ندارد که ایران پاسخ خود به پیشنهادهای آمریکا را مدت‌ها پیش اعلام کرده و حالا توپ در زمین واشنگتن بوده و این طرف آمریکایی است که باید پاسخ خود را اعلام کند. این اولین بار نیست که طرف‌های غربی با شکل‌گیری یک بحران داخلی در ایران یکباره مواضع ضدایرانی خود را تشدید کرده‌سعی در بهره‌برداری سیاسی از اتفاقات دارند. سال ۸۸ درحالی که اوپاما باب مذاکره در مورد مسائل هسته‌ای ایران را گشود و درحال نامه‌نگاری مستقیم با رهبر انقلاب بود یکباره بعد از آشوب‌های ۸۸ در اقدامی کاملاً متناقض حمایت از آشوب‌طلبان را در دستور کار قرار داد تا مذاکرات آغازنشده با بن‌بست مواجه شود. چندماه بعد از اعتراضات معیشتی سال ۹۶ دونالد ترامپ نیز اشتباه‌بایدن را تکرار کرد و با خروج از برجام همه آنچه را از مسیر مذاکره به‌دست آمده بود، کنار گذاشت تا روابط تنش‌آمیز آمریکا با ایران مجدداً به نقطه اوچ بازگردد. در ادامه این تنش حداکثری نیز آمریکا به فاصله‌دوماه از اعتراضات بن‌زنی سال ۹۸ در یک اقدام تروریستی سردار سلیمانی را به شهادت رساند و با مورد هدف قرار گرفتن پایگاه عین الاسد، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی خود در عراق با پاسخ سخت تهران مواجه شد. حال بعد از سه‌سال از این ماجرا به نظر می‌رسد جو بایدن نیز در حال تکرار اشتباه اوپاما و ترامپ است و کمی محتاطانه‌تر نسبت به آنها قصد دارد اتفاقات داخلی ایران را بسستری برای امتیازگیری قرار دهد. در ادامه به بازخوانی رویکرد مشابه دولت آمریکا در سوءاستفاده از مناقشات داخلی ایران پرداخته‌ایم؛ رویکردی که مواجهه با آن نیز قبل از هرچیز نیازمند مدیریت فضای تنش‌آمیز داخلی برای خارج کردن اهرم فشار از دست طرف غربی است.

فتنه ۸۸ و تغییر جهت اوپاما

رویکرد اوپاما قبل و بعد از فتنه ۸۸ تفاوت آشکاری با یکدیگر داشت. اوپاما رویکردش نسبت به ایران پیش از اتفاقات سال ۸۸ را در کتاب خاطراتش به نام «سرزمین موعود» این گونه توضیح می‌دهد: «در سخنرانی مراسم تحلیف گفته بودم مایلیم دست‌مان را سوی کسانی دراز کنیم که علاقه دارند مشته‌هایشان را باز کنند.» منظور او از «کسانی» ایران بود. اوپاما به‌سرعت وارد عمل شد و چند هفته بعد از آغاز به کارش، نامه‌ای محرمانه از طریق کانالی که آمریکا با دیپلمات‌های ایرانی در سازمان ملل متحد داشت، خطاب به رهبر انقلاب ارسال می‌کند و پیشنهاد آغاز گفت‌وگوی میان دو کشور درمورد موضوعات مختلف ازجمله برنامه هسته‌ای ایران را می‌دهد. وقوع فتنه ۸۸ اما این فضای ذهنی دولت اوپاما را به‌سرعت تغییر داد و او را متقاعد کرد که می‌تواند از فضای جدید برای تشدید تنگناهای اقتصادی ایران استفاده کند. زمانی که فتنه ۸۸ کشور شکل گرفته بسیاری از اندیشکده‌ها و مسئولان آمریکایی به این نتیجه‌رسیدند که با زنده‌نگاه داشتن آتش اغتشاشات می‌توان فشارها بر ایران را تشدید کرد. اوپاما نیز با چنین نگاهی تصمیم گرفت شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کند. او در کتاب خاطرات خود با عنوان «سرزمین موعود» در تشریح اعتراضات صورت گرفته به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۸ نوشته است: «در شرایطی که این کشور (ایران) وارد چرخه

آثار بین‌المللی وقایع اخیر چیست؟

اغتشاش و کاهش قدرت ملی

هر چ‌م‌ر و چ‌ سرکوبگری بیشتر می‌شد، ما راهبرده‌مان را به‌سمت دومین گام راهبرد منع اشاعه‌ای خودمان تغییر دادیم، یعنی بسیج کردن جامعه بین‌المللی برای اعمال تحریم‌های اقتصادی سخت او درحالی که می‌تواند ایران را وادار به حضور در میز مذاکره کند.» مواجهه سخت آمریکا با ایران در نهایت بدون اینکه دستاوردی برای واشنگتن داشته‌باشد، مسیر مذاکرات را به‌بن‌بست کشاند. به نظر می‌رسد جو بایدن، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا که در زمان فتنه ۸۸ معاون اوپاما بود نیز با همین فضای ذهنی به اغتشاشات فعلی نگرسته و همچون اوپاما با اشتباه در محاسبات درصداست که این اغتشاشات را به یک اهرم فشار برای پایین آوردن دست ایران در مذاکرات رف‌ع تحریم‌های وین تبدیل کند.

شلوغی‌های دی‌ماه و خروج آمریکا از برجام

یکی دیگر از مقاطعی که می‌توان پس لِرزه اغتشاشات خیابانی و ناآرامی شهرهای کشور را در آن مقطع و خارج از مرزهای ایران یافت، اتفاقات دی‌ماه ۹۶ بود. اتفاقاتی که می‌توان گفت مکمل محاسباتی شد تا در نتیجه آن، دولت وقت آمریکا به ریاست دونالد ترامپ تصمیم قطعی آمریکا برای خروج غیرقانونی و یکطرفه از برجام را در فاصله کمتر از چهار ماه از آن اتفاقات یعنی اردیبهشت‌ماه ۹۷ به‌صورت رسمی اعلام کند. ترامپ که از پیش از زمان روی کار آمدن در آبان‌ماه ۹۵ با‌رها اعلام کرده بود به محض رئیس‌جمهور شدن، از توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ خارج خواهد شد، تا اردیبهشت‌ماه سال ۹۷ برای این کار دست نگه داشت. یکی از دلایلی که دولت آمریکا را تا ابتدای سال ۹۷ از اعلام خروج یکطرفه این کشور از برجام دور نگه داشت، نتیجه‌گیری تصمیم‌سازان دولت ترامپ از وضعیت اقتصادی ایران در آن مقطع بود. مقطعی که دولت مستقر به ریاست حسن روحانی، تمام برنامه‌های خود را براساس به نتیجه رسیدن توافقات صورت گرفته ذیل برجام تدوین کرده بود و به‌گواه اعضای دولت‌های یازدهم و دوازدهم، شخص رئیس‌جمهور و محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت فکر نمی‌کردند آمریکا به این سانگی‌ها بتواند به‌صورت یکطرفه هم از انجام تعهداتش سر باز زند و هم‌روزی تصمیم‌بگیرد از برجام خارج شود. اما درباره ارتباط این تصمیم ترامپ با وضعیت داخلی ایران باید این‌طور به روایت ماجرا پرداخت که جامعه ایرانی، شرایطی را تجربه می‌کرد که کشور علاوهبر بحران معیشتی که عمدتاً طبقات محروم در تحت فشار قرار می‌داد، شاهد شکل‌گیری تجمع‌هایی خیابانی بود که اتفاقاً شروع آن در روز ۷ دی در شهر مشهد مقدس و از سوی دلسوزان انقلاب بود. جمعی قابل توجه که متدینین شهر مشهد با شعار محوری مرگ بر گرانی و با هدف مطالبه‌گری از دولت حسن روحانی برای بهبود وضعیت معیشت مردم تدارک دیده بودند و با همان فرم و محتوا صورت گرفت. اما ماجرا از زمانی جدی‌تر شد که نسبت به دیگر از شهرها نیز شاهد شکل‌گیری تجمعاتی اعتراضی نبوده و وضعیت معیشتی بودند که این‌بار شعارها از محرومیت مرگ بر گرانی به شعارهایی ساختارشکنانه و ضد نظام تبدیل شد. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد شبکه‌های فارسی‌زبان ضدانقلاب جزو نخستین رسانه‌هایی بودند که موج‌سواری بر مطالبات مردم را مأموریت خود قرار دادند و به رادیکال شدن اعتراضات و تغییر جنس شعارها دامن زدند. تند شدن فضای اعتراضات و خارج شدن آن از چهارچوب باعث شد

دشمنان وجودی ایران میدان‌دار اعتراضات شده و آن را در نقاط مختلف کشور به اغتشاش و آشوب‌های خیابانی تبدیل کنند. این وضعیت تا جایی ادامه پیدا کرد که بنا به اعلام غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی وقت قوه قضائیه در نتیجه آن ۲۵ نفر جان خود را از دست دادند. تعداد قابل توجهی که با میدان‌داری ضدانقلاب و با دنبال کردن پروژه کشته‌سازی از سوی آنها جان خود را از دست دادند و در این میان خون آنان نیز به دستاویزی برای شبکه‌های ایران ستیز تبدیل شد. که البته بعدها و در آبان‌ماه سال ۹۸ ثابت‌شد جان و خون قربانیان اغتشاشات، برای این شبکه‌های ضدایرانی موجب‌بگیر از عربستان سعودی و انگلستان، کمترین ارزشی ندارد. درباره اعتراضات سال ۹۶ که فاصله کوتاهی به اغتشاش و آشوب داخلی تبدیل شد، می‌توان گفت نخستین آشوب پیش‌آمده بعد از اتفاقات تلخ رخ داده در جریان فتنه ۸۸ محسوب می‌شد. با این تفاوت که نه رهبر مشخصی داشت و نه مطالبه مشخصی. دو مساله‌ای که به تشدید هرچه بیشتر تندروی‌های کف خیابان دامن می‌زد. علاوهبر اتفاقات دی‌ماه سال ۹۶، آشوب پیش‌آمده در اواخر بهمن‌ماه در قلب تهران بود که پالس دیگری به دولت جدید آمریکا محسوب می‌شد. آشوب‌ها و اتفاقاتی که در نتیجه آن، یک جوان بسیجی به نام محمدحسین حدادیان و سه مأمور نیروی انتظامی با نام‌های محمدعلی بابرامی، رضا مرادی علمداری و رضا امامی با خشونت بالا به‌دست درآویش گنابادی به شهادت رسیدند. شروع درگیری از روزهای پایانی بهمن‌ماه و انتشار شایعه احتمال دستگیری نورعلی تابنده، رهبر فرقه درآویش گنابادی بود که در ادامه، درآویش گنابادی با تجمع مقابل خانه تابنده در محله پاسداران تهران و برخی اقدامات ازجمله همکاری با رسانه‌های ضدایرانی، به افزایش تنش‌ها دامن زده‌بوند. این تنش آفرینی‌ها تا جایی ادامه پیدا کرد که بعد از بازداشت یکی از درآویش در محل سرت یک خودرو، درآویش دیگر برای اعتراض به این اقدام پلیس مقابل کلانتری پاسداران تجمع کردند و به تهدید نیروی انتظامی پرداختند. در نهایت، با ادامه‌دار شدن تنش‌ها، غائله منجر به ایجاد درگیری میان درآویش گنابادی و نیروی انتظامی شد که در نتیجه آن ۴ نفر به‌دست درآویش گنابادی به‌شهادت رسیدند. با این حال، بعد از بازداشت عوامل این درگیری بود که دولت آمریکا طی بیانیهای ضمن حمایت از درآویش گنابادی و بدون اشاره به افراد به‌قتل‌رسیده توسط آنها، مقابله پلیس ایران با مسببان غائله خیابان گلستان هفتم را بزرگ‌ترین سرکوب اقلیت‌های مذهبی در نظام جمهوری اسلامی دانست. با توجه به این اتفاقات و آشوب‌های خیابانی و همچنین ارزیابی دولت آمریکا از وضعیت اقتصادی وابسته به برجام دولت دوازدهم بود که سرانجام دونالد ترامپ، در جایگاه رئیس‌دولت آمریکا، در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۹۷ تصمیم گرفت به‌صورت یکطرفه و غیرقانونی از برجام خارج شود. توافقی که در ۲۳ تیرماه ۹۴ امضا شد و در کمتر از سه‌ساله خود هم‌اقتدروی الزام‌آور نبود که آمریکا به‌عنوان یکی از طرف‌های امضاکنده بابت بدهدیی‌هایش مجازات کند.

اتفاقات آبان ۹۸ و تصمیم ترامپ

برای ترور حاج‌قاسم

روزهای پایانی آبان‌ماه ۹۸، از دیگر مقاطعی بود که شلوغی‌های خیابانی در ایران در فاصله کمی به اغتشاش تبدیل شد و فراگیر شدن این اغتشاش در شهرهای حاشیه‌ای مراکز استان‌های

ابوالفضل ظهروند، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهنگ‌یگان»:

غرب اغتشاشات را فرصت تغییر معادله مذاکرات می‌داند

همان‌طور که می‌دانید آمریکا قبل‌هم تجربه محاسبات غلط درباره ایران را داشته. مثلاً سال ۸۸، اوپاما قبل از انتخابات نامه‌ای به ایران با مضمون پیشنهاد آغاز گفت‌وگو میان دو کشور درمورد برنامه هسته‌ای ایران را ارسال می‌کنده که ایران پاسخ‌نامه‌ا‌و او را می‌دهد اما بعد از انتخابات سال ۸۸، آمریکا تغییر رویکرد می‌دهد و فکر می‌کند با حمایت از اغتشاشات درون ایران می‌تواند زودتر به خواسته خودش برسد، اما نتیجه برعکس شد. الان یابین هم کلیت همان استراتژی اوپاما را تکرار می‌کند و فکر می‌کند با حمایت از اغتشاشات زودتر می‌تواند به منافعهش برسد. فکر نمی‌کنید این استراتژی آمریکا دیگر تضعیف شده‌است؟

ببینید در مباحث حکمرانی آن‌هم در مقیاسی مانند جامعه جهانی و روابط بین‌الملل که آمریکایی‌ها دارند فعالیت می‌کنند، بحث عبرت‌گیری یا تجربه برای تغییر و اصلاح سیاست‌ها و تاکتیک‌ها و حتی راهبرد هاست، نه اینکه آنها از استراتژی خود در قبال ایران دست بردارند. این اغتشاشات درونی برای آمریکا یک ابزار است. آمریکا وقتی ایران را یک تهدید می‌داند، برای مقابله با این تهدید از همه امکانات خود استفاده می‌کند، ولو اینکه آن امکانات یا آن اقدام را قبلاً انجام داده باشد. یکی از این اقدامات و اهرم‌ها که آمریکا هیچ‌وقت آن را کنار نمی‌گذارد و تنها تا کتیک آن اهرم را تغییر می‌دهد، اهرم مداخله داخلی است. چ‌را این اهرم را کنار نمی‌گذارد؟ چون اهرم‌ها شکست‌پذیر نیستند، یعنی آنها چندبار یک پتک را کوبیدند و دسته‌اش شکسته، خب سری بعد دسته جدید برای آن پتک می‌گذارند. به‌رحال این پتک ضربه می‌زند. تا زمانی که چیزی به نام ایالات متحده با رویکرد هژمونیک وجود دارد، باید بدانیم یکی

چهارشنبه ۶ مهر ۱۴۰۱ شماره ۳۶۹۵